

● اسماعیل آذری

آری این جا نمایشگاه تهران است و اکثریتی که آمده اند تا فقط گردشگری کنند و تیپ های جدید و پوشش های متفاوت را ببینند یا به نمایش بگذارند. می توان گفت که این جا نمایشگاه تیپ های متفاوت است.

تعیین کرده است. پس چه گونه است که ما فقط ظاهر و پوشش غرب را برمی داریم؟ اگر ما مقلد غربیم چرا مقلد کارهای مثبت آن ها نباشیم.

می گویند در سازمان جاسوسی آمریکا، اتاق های مخصوصی وجود دارد که در آن ها متخصصان زیادی گرد هم می آیند و در هر اتاقی چندین متخصص و مفسر هست که در مورد یک کشور خاص تحقیق می کنند تا ضعف و قوت کشور و راه های تسلط، بر آن را بررسی کنند؛ اما در این میان اتاق مربوط به کشور ایران، تنها اتاقی است که لامپ آن بیست و چهار ساعته روشن است.

آری این جا نمایشگاه تهران است و اکثریتی که آمده اند تا فقط گردشگری کنند و تیپ های جدید و پوشش های متفاوت را ببینند یا به نمایش بگذارند. می توان گفت که این جا نمایشگاه تیپ های متفاوت است.

کاش ببینیم و بفهمیم که راه پیشرفت ما نمی تواند همین پوشش های جلف و ناهمگون با معیارهای اسلامی و ملی باشد. این جا نمایشگاه تهران است. جایی که نسل سوم انقلاب، خودشان را در میان تناقضات و بی خبری ها گم کرده اند؛ جوانانی که آینده روشنی در جلوی چشمشان ترسیم نکرده اند. باور کنید این جا نمایشگاه تهران است.



باور کنیم آن جا نمایشگاه کتاب بود!

بوق ممتد ماشین ها، چرت صبحگاهی ات را پاره می کند و چشم که باز می کنی، صف طولانی ماشین ها را می بینی که در ترافیک، منتظر هستند. ساعت حدود ۳۰:۹ صبح جمعه است و باران هم، نم نمک روی شانه های عابران می زند و طراوت خاصی به خیابان های مملو از جمعیت تهران می دهد.

چشم که می چرخانی و دوباره ردیف ماشین ها را می بینی، ناخودآگاه یاد خبری می آفتی که چند روز پیش توی اخبار گفت. درباره صف چند کیلومتری مردم که برای گرفتن کارت ملی خودشان صف کشیده بودند. بعد از نیم ساعت که به نمایشگاه می رسی، اولین استقبال کننده از گروه شما، جوان شیک پوش و مرتبی است که قبض را تحویل می دهد و مبلغی می گیرد تا ماشین به داخل نمایشگاه وارد شود.

شاید ربطی نداشته باشد ولی چندی پیش، توی رسانه ها اعلام شد که در یکی از کشورهای اروپایی، حتی برای کشیدن سیگار، به خاطر آلودگی هوا، مالیات دریافت می شود.

آن چه قبل از سالن های کتاب جلب توجه می کند، تغییر و تحول فاحشی هست که در فرهنگ ظاهری (پوشش) به وجود آمده است. نگاه که می کنی، تیپ های عجیب و غریبی می بینی که دقیقاً از غرب الگو برداری شده است. آقا پسری را می بینی که یک گردنبند زنجیر طلا (شاید هم طلا نباشد، ولی به رنگ طلاست) در گردن و یک پیراهن نیم تنه با عکس ای و داریوش و مایکل جکسون و ... یک شلوار دوازده جیب بعضی ها آن قدر تنگ که راه رفتن را برایش سخت می کند و بعضی ها آن قدر گشاد که دو نفر دیگر هم می توانند در آن جا بگیرند. با یک تسبیح دانه درشت در دست و ... الی ماشاءالله که اگر شغل اکثریت آن ها را بررسی، مطمئناً شغل آزاد دارند (لطفاً بیکاری را هم جزو شغل آزاد حساب کنید).

خانم ها هم که اسپورت های عجیب و غریب به پا کرده و بدون جوراب، با شلوارهایی که حداقل یک وجب با کفش فاصله دارد و وضعیت لباس ها هم که ... بعضی آن قدر شبیه کارگرهایی هستند که آمده اند تا گل لگد کنند.

و بعضی ها در صورت هایشان رنگین کمان پودر و کرم (یا همان کلکسیون) تشکیل داده اند و البته آن قدر زرنگ هستند که همیشه چترشان همراهشان است و نمی گذارند که مبادا بارانی به صورتشان بخورد و زحمت چند ساعته آن ها را به هم بزنند. راستی اگر چنین اتفاقی بیفتد و بارانی به صورت آن ها بزند، خیلی جالب می شود! دقیقاً مثل کاغذهای تهذیب و کاغذهای ابروباد می شود که رنگ ها را در آن پاشیده اند.

همه این ها در کشوری است به نام ایران و قرار است که نسل سوم انقلاب و امثال اسلام و دین مبین محمدی باشد. جوان هایی که اکثر آن ها هویت واحد خود را در میان کثرت خواسته ها گم کرده اند.



یادم نمی رود که هم اتاقی من در دوره دانشجویی، دانشجوی رشته فیزیک بود. از شمال تهران تعریف می کرد که ما در دبیرستان حدود بیست نفر در یک کلاس بودیم و از بین این ها ۹۰ درصد کامپیوتر داشتیم و شبانه روز حداقل شش ساعت چت کاری می کردیم و بازی های کامپیوتری هم که جای خود داشت و بقیه وقت خود را در صحبت کردن تلفنی با غیرهم جنس می گذرانیدیم. می گفت اگر در کلاس ما کسی دوست غیرهم جنس نداشت فردی عقده ای و مطرود شناخته می شد.

جوانان نسل سوم انقلاب با این دیدگاه، چه گونه می توانند داعیه حفظ مقدسات را داشته باشند؟

کاش به نمایشگاه تهران سری می زدید و می دیدید که در جمعه مانندای که شاید جمعیتی بالای چندصد هزار نفر بازدید کننده داشت، موقع نماز ظهر (چون خودم دیده ام، می گویم) شاید ... نفر هم در مسجد نمایشگاه نیامده بودند که از بین این ها حداقل، نیمی خوابیده بودند.

در کشوری که اسلام رکن اصلی آن است و برپایه خواست های مقدس این انقلاب پا گرفته، این وضعیت چه توجیهی دارد؟

مگر نه این که فضا و مکان اجتماعی، تاثیر بسزایی در رعایت شئون اسلامی دارد. مگر نه این که شرع مقدس اسلام محدوده هایی برای همه،

